

# پیام وحدت در راه خلق پیام انسانی و انقلابی

امام از بیمارستان  
قلب، در لحظه ای  
حساس با قلب همه  
مردم سخن میگوید

امام خمینی، مردیکه بازویش پستی زلف، با سیاست صائب و با قاطعیت پولادین خود انقلاب ما را رهبری کرد، در یکی از لحظات دشوار برای سلامت خویش، در فکر مردم و فکر انقلاب است.

کسی نیست که پیام تکانه دهنده و عمیقاً انسانی و انقلابی او را از بیمارستان قلب تهران شنیده باشد و هارادیکر به عظمت روح و سلامت اندیشه رهبر انقلاب، آفرین ننگنه باشد.

رهبر، در بستر بیماری است، رهبری که توده های میلیونی به او وسالت او می اندیشند، ولی او با درک عمیق حساسیت لحظه، در فکر مردم و در اندیشه انقلاب است و لازم می بیند که، علیرغم منع پزشکی و به بهای سلامت خویش، آنچه را که در قلب داد، همه بگوید، مردم بگویند، لحظه حساسی است، متصل و متحد باشید، چه حالا و چه فردا، نزاع و نفاق تکنید، بهم اعانت کنید، نشان دهید که رشید هستید.

پیام بزرگ امام، رهبر انقلاب ما اینست، بسوی آنکه نشان دهیم که ملت رشید هستیم، باید متحد باشیم، باید راز و رمز پیروزی را در وحدت کلمه و عمل بیابیم.

امام همه نیروها و همه قشرهای ملت را به وحدت فرا می خواند و حتی «عاجزانه تقاضا میکند»، زیرا سر نوشت کشور و انقلاب مطرح است، زیرا لحظه حساسی است و امام خمینی میخواهد همه کس به این حساسیت سر نوشت ساز واقف شود.

امام همه ما را به وحدت فرا میخواند، نه فقط برای در روز و نه فقط برای انتخابات، بلکه برای فردا، برای آینده کشور و مردمان. هیچ نیایش و الا تر از این نخواهد بود که باین پیام وحدت، وحدت برای پیوند داه و اجرای برنامه ای که امام خط او مظهر آنست، بنحوصاً بسته پاسخ دهیم، این وحدتی هدفمند و خلقی و آیدند سازاست، وحدت برای آنکه نشان دهم مردم ما، پس از آنکه انقلابی باین عظمت را بانجام رسانند و طاقت زمانه را برانور در آورده دست در جرسته شیطان بزرگ نهاده اند، «پتانند که یک مملکتی را با هم اداره بکنند».

اداره یک مملکت، با وحدت نیروهای که به پیروی امام، طرفدار خلق و حامی توده مردم و مخالف با امپریالیسم و مستکبرین جهانی و داخلی هستند، امکان پذیر است و این درست همان وظیفه مهم و درازمدتی است که امام در سخنان پر شور خود از بیمارستان قلب، همه را به انجام آن فرا خواند.

رهبر انقلاب ما، هنگامیکه خود از بیماری رنج می برد، بخوبی می داند که ملت نیز در تمام تار و پود وجود خویش از این بیماری آفریده، تکران و در پیوسته است، میدانند که این قلب همه مردم ترقی خواه و آگاه ایران است که بدرد آمده. از این رو اولاً می بیند که در نخستین جمله سخنان خود مردم بگوید که «حال خودم الحمد لله بد نیست» و باین ترتیب موجبات آرامش خاطر خلق را فراهم سازد.

امام بدرستی با اهمیت این آرامش در لحظه حساس کنونی بر برده و با توجه به ضرورت بی تردید استراحت کامل، سفارش پزشکان را تا حدود ضرورت انقلابی عملی ساخته است. مردم ایران با سبک سوز این تصمیم امام به سخنانی هستند، زیرا اولاً محیط آرام و مناسبی را در لحظه حساس انتخابات فراهم آورده، ثانیاً برای جریان خود انتخابات رهنمود مستقیم داد و ثالثاً بر ضرورت وحدت برای تدویر انقلاب و اداره مملکت بار دیگر با قاطعیت تاکید کرد.

این مشی باید در خدمت توده مردم باشد. همانطور که خود امام نه در حرف، که در عمل در خدمت مردم است. همچنین سخنان او در بیمارستان قلب تهران، قبل از هر چیز دغدغه خاطر امام را نسبت به زندگی و سر نوشت یکایک مردم بخصوص «زافه نشینان و چادر نشینان و قرا» نشان میدهد.

یک تیم پزشکی ماهر و متمم، آنچنانکه خواست همه مردم است، وسایل لازم در خدمت سلامت امام قرار میدهند، ولی در این فکر است که این خدمات پزشکی و این وسایل متوجه خدمت همه مردم مستمند و کسانی شود که «در زمان طاغوت بهشون هیچ عنایتی نشده بود»، پزشکان بحق میکوشند بهترین شرایط مداوا و معالجه رهبر را فراهم آورند و او میگوید: «بهداری اول مرتبه احتیاجی است که مردم بهش دارند بطوری باشد که برای همه باشد و برای یکی تشریفات و برای یکی هیچ نباشد».

این درس بزرگ مملکت داری همه نیروها و شخصیت هائی است که رسالت اداره کشور انقلابی ایران را بهمه میگیرند، نه نزاع، بلکه وحدت. نه بهود یکی، بلکه برای همه. ایران فردا باید برای همه و بسود توده زحمتکش بنا و اداره شود. تا مردم ایران دیگر «دینطور اهلانات را نداشته باشند». امام مرز روشن و دقیقی بین طرز مملکت داری زمان شاه مخلوع و نحوه کشورداری ایران انقلابی ترسیم میکند. این مرز دقیق عبارتست از منافع خلق، عبارتست از خدمت به توده مردم.

وجه مشخصه خلقی خط امام بار دیگر در سخنان تاریخی ۴ بهمن ماه به بارزترین وجهی نمایان میشود.

اینکه که در فردای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری هستیم و انقلاب مامی رود تا با تکمیل نهادی دیگر، گامی بجلو بردارد، با آرزوی صمیمانه تندرستی عاجل رهبر انقلاب ایران، به مفهوم عمیقاً انسانی، خلقی، انقلابی و راحکشی آن توجه کنیم.

وحدت همه نیروها در خدمت خلق!

اداره کشور به نیروی اتحاد و در جهت منافع توده مردم! بطورما روشن ترین راه نشان دادن اعتقاد به خط امام و تدویر آن در زمینه کشورداری، درک درست مفهوم این پیام است.

برای اعتصاب همگانی  
به نشانه اعتراض علیه  
زدویندهای حائنه کارت  
وسادات و بگین

از فراخوان  
سازمان  
آزاد بخش  
فلسطین  
پشتیبانی  
میکنیم

صفحه ۶



رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، دیروز در حوزة ۱۹۱ انتخابات ریاست جمهوری حضور یافت و به آقای دکتر حبیبی، کاندیدای ریاست جمهوری رأی داد.

## مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۱  
شنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۱۵

## انتخابات اولین رئیس جمهوری ایران



مردم از انتخابات بطور وسیع استقبال کردند

جنابلاط:  
اتحاد شوروی  
همیشه به حقوق  
ملی و مذهبی دیگر  
ملت ها احترام  
گذاشته و می گذارد

جنابلاط، رهبر حزب مترقی سوسیالیست لبنان، غوغای افراط آمیز ضد شوروی را که بیلبان غربی در مورد افغانستان برآم انداخته اند، محکوم ساخت. وی در گفتگو با خبرنگار رادیو مسکو در بیروت اظهار داشت: «این حزب یک روش متین در مورد رویدادهای افغانستان در پیش گرفته است. در این کشور توطئه چینی نیروهای امپریالیستی صورت گرفت و بسبب سبب اتحاد شوروی به افغانستان کمک نظامی کرده است».

جنابلاط گفت: «ما اعراب فریب تبلیغات را نخواهیم خورد. اتحاد شوروی و حزب کمونیست آن همیشه به حقوق ملی و مذهبی دیگر ملت ها و همچنین به حقوق مردم افغانستان احترام گذاشته و می گذارند».

دبیر کل جامعه  
کشورهای عرب:  
ما علیه دشمن  
واقعی مبارزه میکنیم  
نه علیه دشمن خیالی

شاذلی کلی، دبیر کل جامعه کشورهای عرب گفته است که سیاست اسرائیل تنها خطر واقعی برای اعراب است. کلی در مصاحبه با روزنامه اتریشی دی پرسه گفت: «حوادث افغانستان نمی تواند توجه اعراب را از تجاوز اسرائیل منحرف کند».

دبیر کل جامعه کشورهای عرب گفت: «ما علیه دشمن واقعی مبارزه می کنیم، نه علیه دشمن خیالی».

ملت ما هرگز  
دشمنی های امپریالیسم آمریکا  
را فراموش نخواهد کرد  
حجت الاسلام خامنه ای:

اسرور در برابر ما قدرت بزرگی که سینت برافراشته خود را هر لحظه بر ما می کشد، ایالات متحده آمریکا است. ما را به محاصره اقتصادی تهدید را هرگز فراموش نخواهیم کرد. مرکز دشمنی های این ابر قدرت از یادنخواهیم برد. این راملت به ما شروع کرده اند.

در صفحات بعد

لای نحل ماندن مشکل مسکن  
زمینه سوء استفاده ضد انقلابی شده است

از گذشته درس بگیریم:  
ضد انقلاب هنوز در رسانه های  
گروهی پایگاه دارد

ما باز هم  
هشدار میدهیم

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران مورخ ۲ بهمن ماه ۱۳۵۸ هشدار مکرر حزب ما را تاکید کرد که توطئه ضد انقلاب در پایگاه هوایی تبریز نه فقط به آن دلیل خطرناک است که این توطئه در ارتش روی داده، بلکه بویژه از این جهت خطرناک است که چنین توطئه هائی در سایر پایگاهها و پادگانها نیز بالقوه وجود دارد. شواهد متعددی حاکیست که ضد انقلاب میکوشد این کانون های بالقوه توطئه را فعال کند. هشدار مؤکد و مکرر ما از اینجاست و ما از شورای انقلاب و سایر مقامات مسئول می طلبیم که با مسئولیت و با امکاناتی که در اختیار دارند، این توطئه ها را با عمل قاطع انقلابی خنثی کنند.

پیام امام در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، هشدار رهبر انقلاب به لزوم هشیاری انقلابی و وحدت خلقی است. شورای انقلاب و سایر مقامات مسئول باید با الهام از امام، پیروی از رهنمود امام، تمام نیروی خلق را در یک جبهه متحد برای عقیم گذاشتن توطئه های ضد انقلاب، از جمله و بویژه در ارتش، بحرکت در آورند. این مهمترین و عاجل ترین ضرورت لحظه است.

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:  
لئونید بر ژنف  
زمین کوچک

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

# نوعی تقلب انتخاباتی سوءاستفاده از یک تشابه اسمی و فریب دهقانان

خواهیم داد،  
یالنجیا نماینده امام! آیتاله! به خود می گفتید: آخر آقای  
مدنی که کاندیدای ریاست جمهوری است، آیتاله نیست، دریا دار  
است؛ مهم نیست، افسر است؛ نماینده امام در آذربایجان نیست،  
تا چندی پیش استاندار خوزستان بود...  
بعد کاشف پهلوی آمد که برخی از هواداران تیمسار مدنی  
از تشابه اسمی کاندیدای خودشان با حضرت آیتاله مدنی نماینده  
ویژه امام در آذربایجان سوء استفاده کرده، بطریقی که شرافتمندانه  
نیست، ثوبه دهقانان را فریفته و چون آنها به امام و نماینده امام  
مومن هستند، و آیتاله مدنی را دوست دارند، به آنها گفته اند: ما  
به مدنی رأی بدهید، و البته نام «مدنی» روی ورقه رأی بماند

تیمسار دکتر مدنی خواهد بود  
دهقانان فکر میکردند که به آیتاله مدنی رأی خواهند داد  
ولی اگر چنین میکردند، در عمل بسود تیمسار مدنی رأی داده بودند.  
این شیوه «کاسرازار تبلیغاتی» از جانب برخی هواداران  
کاندیدای ریاست جمهوری بیچوجه پسندیده نیست، و با هیچ  
قاعده و قانون اخلاق و سیاسی و دینی و غیره تطبیق نمیکند.  
آیتاله مدنی، نماینده امام در آذربایجان گفته بود که به  
دکتر حسن حبیبی رأی خواهد داد و توصیه کرده بود که طرفداران  
خط امام و کسانی که بی نظیر او احترام میگذارند، آقای حبیبی را  
برگزینند.

آیا پدهقانان میانسواب و مانند آنها بسیاری دیگر، کسانی  
گفتند اشتباه نکنید، دارند از تشابه اسمی و از علاقه شما به  
نماینده امام سوء استفاده میکنند، دارند شما را ملغیه فرامیدهند  
تا برخلاف نظر و تمایل خودشان رأی دهید؛ اگر بدین شیوه  
نابیندیده و ناجورانه تبلیغ و فریب انتخاباتی خاتمه نداده  
باشند، بسمه دهقانان حقیقت امر و نظر آیتاله مدنی تقسیم نشده  
باشد، لاقلاً در میان آیتاله و نظر آن، شاید بسیار جاهل نوعی  
تقلب انتخاباتی از طریق بکارهای کشاندن ثوبه دهقانان صورت  
گرفته است.  
ما صریحاً اعلام می کنیم که آرائی را که در آذربایجان بنام  
آقای مدنی به مستدوق ریخته شده است، مشکوک و مخدوش و  
باعتبار میدانیم.

در رقابت هایی که به آن «مبارزات انتخاباتی» نام نهاده، رقبا  
از انواع و اقسام وسایل استفاده کردند تا روز رأی گیری نام آنها  
و نه رقبای آنها - روی ورقه رأی جای گیرد. از این انواع و اقسام  
وسایل، برخی قانونی، حقه و شرافتمندانه است. تبلیغ برنامه و  
نحوه عمل آینده نامزد ریاست جمهوری، توضیح در باره کارنامه  
گذشته و فعالیت های مبارزاتی خود و گردآوردن افراد هر چه  
بیشتری به دور خط امام و پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی مردم  
ایران یک چنین وسیله ای است.

اما آیا همه فقط از این گونه وسایل استفاده کردند؟ آیا  
همه وسایلی که بکار گرفته شد شرافتمندانه بود؟ آیا برای جلب  
گرفتن نام مربوطه بر روی ورقه رأی به اعمالی مشبث نشدند که با  
اخلاق اسلامی و عرف دمسراسی هیچگونه رابطه ای ندارد؟

اگر در روزهای ماقبل انتخابات پدهقات اطراف میاندوآب  
مردقتید، در بخشهای مختلف مشاهده میکردید که اکثریت عظیم  
دهقانان میگویند که به مدنی رأی خواهند داد.

حالا از خود خواهید پرسید که خوب چه عیبی دارد؟ انتخابات  
آزاد است. دلشان میخواسته به تیمسار دریا دار مدنی رأی دهند و  
لا بد فکر میکردند که وی بهتر خواستهای آنها را برآورده میسازد.  
اما اگر در دهات میاندوآب، از نزدیک، از خود دهقانان  
میرسیدید: چرا میخواهید به مدنی رأی بدهید؟ می گفتند: «ما به  
نماینده امام در آذربایجان عقیده داریم، آیتاله را آدم شریف و  
انقلابی میدانیم و چون مجری نظریات امام حبیبی است، باو رأی

خوانندگان گرامی  
میتوانند در خارج از کشور  
به آدرس های زیر با  
«مردم» مکاتبه کنند

فرانسه،  
Rigal Albert  
BP 75160  
75001 Paris  
France

سوئد،  
27y30  
30251 Stockholm

ایتالیا،  
Shams  
Via G. Vincon, 44  
Ostia (Roma)  
Tel 6614922 (TUDH)

انگلستان،  
P.O. Box 141  
London. E 70 PE

استقلال خود را حفظ میکنند، نظیر سوریه، الجزایر،  
لیبی، هندوستان، یمن، مراکش، افغانستان، ویتنام،  
لائوس، کمپوچیا و غیره تماس بگیرد، مذاکره کند و از  
این کشورها در مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا  
استفاده کند.

وزارت خارجه میتوانست در مجموع و انجمن  
های بین المللی، که در زمینه های مختلف حقوقی،  
فرهنگی، بهداشتی، کشاورزی و خواریار و غیره فعالیت  
دارند، مسئله سفکری آمریکا را نسبت به ایران  
 مطرح کند و این سازمانها را وادار به اتخاذ موضع،  
 صدور قطعنامه و غیره علیه امپریالیسم آمریکا و بسود  
جمهوری اسلامی ایران کند.

چرا وزارت خارجه با نظر اینگونه اقدامات  
حتی توجه نمیکرد و نمی گفت؟ معلوم نیست.  
چرا وزارت خارجه حتی یک یادداشت اعتراض  
آمین به تمرکز نیروی دریایی و تمرکز قوا در آبهای  
پلاصل ایران به دولت آمریکا تسلیم نکرده است؟ معلوم  
نیست.

چرا وزارت خارجه حتی مبادرت به اعتراض  
رسمی نسبت به پیشهاد محاصره اقتصادی ایران آنسوی  
آمریکا و متحدینش در شورای امنیت نکرده است؟ معلوم  
نیست.

چرا وزارت خارجه با کشورهایی که در شرکت  
در محاصره اقتصادی ایران مردند، تماس برقرار نکرده  
تا از طریق مذاکرات و برقراری روابط بازرگانی متقابل  
سومندی و آنها، عملاً نشان دهد که محاصره اقتصادی  
ایران را میخواند بشکند؟ معلوم نیست.

چرا وزارت خارجه با کشورهای مخالف محاصره  
اقتصادی ایران تماسهای علنی برقرار نمیکند و علناً  
اعلام نمیکند که با معاملات متقابل سودمند با این  
کشورها، محاصره اقتصادی ایران غیرممکن است و  
سیاست خصمانه آمریکا محکوم به شکست معلوم نیست.

وزارت خارجه دستوری دست گذاشته، چنانکه  
گویی تمام اختلافات آمریکا در ایران منحصر است به  
مسئله «گروگانها» و استرداد شامخولوع، چنانکه گویی  
اگر این مسئله بنوعی حل شود، آنگاه میتوان دست  
آمریکای چنانچه، تجاوزکار، فسادگر، استرگر را  
فردوسه روایه، ظالم را مظلوم را پذیرفت.

درواقع باید از وزیر خارجه جمهوری اسلامی  
ایران پرسید که: «خطه سیاست خارجی کشور ما  
کدام است؟

# «خط» وزارت خارجه «خط» ضد امپریالیستی است یا نه؟

جمهوری اسلامی ایران نیاز مبرم و حیاتی به یک سیاست خارجی فعال ضد  
امپریالیستی، بویژه ضد امپریالیسم آمریکا دارد.

وزارت خارجه بر ضد امپریالیسم آمریکا مشاهده نمیشود  
چرا؟ معلوم نیست.  
یک وزارت خارجه فعال میتوانست قرارداد  
هایی را، که رژیم شاه مخلوع با امپریالیسم و بویژه  
امپریالیسم آمریکا، ام از نظامی و غیر نظامی منعقد  
ساخته و تمداد آنها بنا به اظهارات مقامات مسئول  
نزدیک به هزار قرارداد است و هر کدام از آنها زنجیر  
اسارت و رخنه ای برای اعمال نفوذ است، ملنی کند.  
وزارت خارجه کمترین اقدامی در این زمینه بعمل  
نیآورده است.

یک وزارت خارجه متحرک و کوشا میتوانست  
با کشورهای مستقل منطقه تماس بگیرد، یک کنفرانس  
منطقه ای، حتی آسیائی از این نوع کشورها تشکیل دهد  
و در آن فالیتهای مداخله گرانه و خصمانه دولت آمریکا  
را محکوم کند.

یک وزارت خارجه پر تحرک و زنده میتوانست  
کنفرانس فوق العاده ای از کشورهای غیرمتحد دعوت  
کند و در آن اقدامات همه جانبه خصمانه ای را که دولت  
آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بعمل آورده و  
میآورد، محکوم کند.

وزارت خارجه میتوانست به شورای امنیت و  
به مجمع عمومی سازمان ملل متحد علیه آمریکای  
مداخله گر و متجاوز شکایت برد.  
وزارت خارجه میتوانست در شورای جهانی  
صلح و در سازمان همبستگی کشورهای آسیائی و آفریقائی  
مسئله خصومت مداخله گرانه دولت آمریکا را در امور  
داخلی ایران، مطرح یازد و از این سازمانها، که خصلت  
مترقی و ضد امپریالیستی نيز دارند، برای محکوم کردن  
دولت آمریکا استفاده کند.

وزارت خارجه میتوانست با دولت های  
جداگانه ای در منطقه و در آسیا، که در مبارزه با امپریالیسم

امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با  
تمام نیرو و وسائلی که می تواند در اختیار بگیرد، در  
صدد شکستن انقلاب ایران است.

امپریالیسم آمریکا یک کارزار بسیار وسیع  
تبلیغاتی بر ضد انقلاب ما و رهبران امام خمینی، برآه  
انداخته و همواره بر شدت آن میزاید.

امپریالیسم آمریکا فعالیت سیاسی وسیعی را از  
طریق مجامع بین المللی (سازمان ملل متحد، دادگاه  
بین المللی لاهه و انجمن های حقوقی مختلف) و نیز از  
طریق جلب همکاری متحدین و همچنین رژیم های  
سرهمرده خود، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران  
سازمان داده و در پی بر شدت این فعالیت میزاید.

امپریالیسم آمریکا تمام امکانات خود را بر  
محاصره اقتصادی ایران بکار گرفته است. تا از این  
طریق انقلاب ما را از درون پفرساید و به شکست  
بکشاند.

امپریالیسم آمریکا با تمرکز نیروی دریائی  
عظیمی در آبهای مجاور ایران، کشورها را در معرض  
تهدید تهاجم نظامی قرار داده است و میتوان تردید  
نداشت که اگر وضع بین المللی را برای خود  
بی خطر ببندارد، به این تهاجم نظامی دست  
خواهد زد.

امپریالیسم آمریکا بوسیله عمل شناخته شده و  
شناخته نشده خود، ضد انقلاب داخلی را میرواند و  
در کمین فرصت است تا ضربه مهلکی بر انقلاب  
رها بکشد و وارد آورد.

در برابر این حملات وسیع امپریالیسم خول-  
آسای آمریکا و وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران،  
چیز طلب استرداد شاه مخلوع، گویی دست روی دست  
گذاشته و ناظر و تماشاگر عملیات خصمانه همه جانبه  
آمریکا است. هیچ ابتکار و تحریک و کوششی از سوی

از نیمه اول سال ۱۹۷۱ تا اواسط سال ۱۹۷۳، دلار آمریکا  
دو بار و جمعا به میزان ۱۸ درصد تنزل یافت و در مقابل، ارزهای  
کشورهای عمده سرمایه داری اروپائی غربی و ژاپن ترقی ارزش یافتند.  
کشورهای اروپائی غربی، که گماناک تحت فشار روزافزون ورود  
سرمایه های آمریکائی بودند، یکی بعد از دیگری نرخ ارز خود را  
مواج اعلام کردند.

بهای طلا در بازار آزاد، که در سال ۱۹۶۸ معادل هر اونس  
۳۵ دلار بود، در اواخر سال ۱۹۷۴ به حدود ۲۰۰ دلار رسید. در-  
واقع این بحران عمومی سرمایه داری جهانی بود که موجب شد  
بهای طلا حدود ۶ برابر گردد. این نکته را هم باید ذکر کرد که  
بهای طلا سالها محصولات پالین نگاه داشته شده بود.  
مارکس میگوید: «اسامه طلا... آنگاه که تعادل جاری مبادله  
اجناسی بین ملت های مختلف دچار اختلال میگردد، پمنا به خرید بین-  
المللی بکار می رود» (کاپیتال، جلد اول، صفحه ۱۵۹)

در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۴ بحران عمیقی اقتصاد سرمایه داری  
جهانی را فراگرفت، که از جمله عوارض آن ازدیاد بیکاری،  
افزایش نرخ تورم، تشدید عدم تعادل در موازنه پرداخت های بین-  
المللی و کمبود انرژی بود. بورس بازان و سرمایه دارانی که موجودی  
پولی یا غیر پولی خود را در معرض خطر تنزل ارزش میدیدند، به  
سمت بازارهای طلا هجوم بردند و باعث ترقی قیمت آن شدند. به  
دنبال بهبود اوضاع و اعاده رونق نسبی به اقتصاد ناآا بحرانی  
سرمایه داری جهانی، قیمت طلا نیز تنزل کرد.

امپریالیسم آمریکا برای ادامه سلطه خود بر بازارهای جهانی،  
این بار بیکم نظیر پهره دازان فاشیست سلطنتی چون میلتون فریدمن  
و جرج شوئنز، وزیر سابق خزانه داری آمریکا، به اصطلاح اقدام  
به اصلاح نظام پولی بین المللی نمود. تمام ساسی این جیره خواران  
مجموعی نظامی صنعتی این بود که اولاً هر چه و مرج موجود در  
سیستم گردش پول جهانی را بنفع آمریکا حفظ کنند. لایا طلا  
را از سیستم پولی جهانی خارج سازند. اما علیرغم تمایل محافظ  
مذکور، طلا نه تنها از سیستم گردش پول بین المللی خارج نشد،  
بلکه بدلیل وجود قرض از تورم و بحرانهای اقتصادی اجتماعی، سر-  
مایه دازان را بخود جلب کرد. مارکس مینویسد: «آنجا که...  
انتقال ثروت از کشور به کشور دیگر مورد نظر قرار گیرد و  
هنگامیکه این انتقال ثروت... میسر نباشد، آنگاه طلا... پمنا به  
ماده اجتماعی مطلق ثروت بکار می رود» (کاپیتال جلد اول صفحه  
۱۵۹).

قیمت طلا در بازارهای جهانی بار دیگر بدلیل فوق، یعنی

# تب طلا

## در بازارهای پولی اروپا نشانه بحران همه جانبه سرمایه داری جهانی است

طی سه ماه اخیر بهای طلا در بازارهای عمده طلا در  
کشورهای سرمایه داری، از هر اونس ۳۵۰ دلار به بیش از  
۸۰۰ دلار افزایش یافته است. چنین ترقی قیمتی و آهیم  
پدین سرعت را سیستم سرمایه داری جهانی تاکنون تجربه  
نکرده است.

پس از جنگ جهانی دوم، امپریالیسم آمریکا برای تحکیم  
و بسط نفوذ و سیطره خود در عرصه اقتصاد و غارت هر چه بیشتر  
کشورهای خارجی، نظام پولی خاصی را که به سیستم پولی برتن  
ووزنه شهرت یافت، بنیاد گذارد. بموجب این سیستم، که از طریق  
صندوق بین المللی پول اعمال گردید، رابطه ثابتی بین پول  
کشورهای جهان بر اساس طلا برقرار شد و ایالات متحده آمریکا  
تمند گردید که موجودی دلاری کشورهای خارجی را، در صورت  
درخواست آنها، تبدیل به طلا کند. بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا  
امکان یافت که سالیان سال با سرمایه گذاری در کشورهای خارجی  
به غارت کشورهای تحت سلطه خود بپردازد.

بعداً آمریکا خودسرانه از قصد برآی تبدیل دلار به طلا  
مس باز زد. از آنجا که دلار آمریکا علاوه بر نقش پشتوانه، نقش  
واسطه پرداختها و مبادلات جهانی را نیز ایفا میکرد، کشورهای  
خارجی ترجیح میدادند که آرا در خزائن خود حفظ کنند.

بدین ترتیب ایالات متحده آمریکا توانست اولاً با اجرای طرح  
مارشال، ثانیاً با تاسیس صندوق بین المللی پول، ثالثاً از طریق  
تجمیل دلار به اقتصاد کشورهای خارج پمنا به پول بین المللی، سالیان  
سال پیش از درآمد و توان واقعی خود به سرمایه گذاری و مخارج  
نظامی در خارج از کشور اقدام کند.

اما اوضاع نمیتوانست برای ابد بر وفق مراد آمریکا بچرخد.  
فروپاشیدن نظام استثمار کین، رشد اقتصادی بی سابقه کشورهای  
امپریالیستی اروپائی غربی، بازسازی اقتصاد پروتوان امپریالیسم ژاپن  
و از همه مهمتر انقلابی بی سابقه اقتصادی، نظامی و سیاسی اردوگاه  
سوسیالیسم، پمنا به آشتی ناپذیرترین دشمن امپریالیسم، آمریکا را  
از برج عاج بزیر کشید.

دهه ۱۹۵۰ شاهد بروز کسری موازنه پرداخت های آمریکا بود.  
متحدان اروپائی غربی آمریکا، که در واقع خود را متحدان امپریالیسم  
آمریکا در غارت و نه در تحمل عوارض و پیامدهای استثمار و خصمانه  
آمریکا میدانند، تدریجاً خزائن بانکهای مرکزی خود را از  
طلای آمریکا انباشتند. در این میان آلمان فدرال و فرانسه گوی  
سبقت را از دیگر متحدان آمریکا ربودند. در دهه ۱۹۶۰، که  
اقتصاد آمریکا از رشد بی سابقه ای برخوردار شد، خلق قهرمان  
ویتنام به شدت ترین مبارزه بر علیه عظیم ترین ماشین جنگی، که  
بشریت تا آن زمان بخود دیده بود دست زد. تلاش محافظ ماجراجوی  
امپریالیسم آمریکا چیزی جز شکست مفتضحانه نظامی ناپسامانی  
اقتصادی، تورم و کسری موازنه پرداخت های برای آمریکا به ارمان  
نیآورد. محافل مالی آمریکا دیگر حتی از طریق گسترش حیطه عمل  
بازار دلار اروپائی، نیز قادر به جذب دلارهای آمریکا در خارج از  
آمریکا نبودند. سیل دلارهای آمریکا، که زمانی به اندازه طلا  
ارزش داشت، بسوی فدرالک رزرو آمریکا (بانک مرکزی ایالات  
متحده) جهت تبدیل به طلا سرازیر بود.

از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، ذخایر طلای آمریکا از ۲۳ میلیارد  
دلار به ۱۱ میلیارد دلار تقلیل یافت. امپریالیسم آمریکا، که زمانی  
مدافع سرسخت ثبات ارزش پولهای کشورهای نسبت بیکدیگر بود،  
دیگر تمایلی به بازپرداخت بدهیهای خود، که همان دلارهای سر-  
گردان در جهان بود، نداشت.

در آغاز دهه ۱۹۷۰ ضرورت حفظ ثبات ارزش پول برای  
بزرگترین غارتگر جهان از بین رفته بود. ایالات متحده، که بعد از  
جنگ جهانی دوم از تمام کشورهای جهان طلبکار بود، اکنون به  
اکثر کشورهای خارجی بدهکار شده بود. در این زمان ذخائر  
طلای آمریکا تکافوی حتی یک سوم بدهیهای خارجی اش را نمیکرد.  
برای کاهش بدهیهای خارجی ایالات متحده باید راهی منطبق بر  
شیوه دینشانه غارتگران و آل استریت ابداع میشد. بهترین چاره،

برای مقابله با  
تجاوز نظامی  
امپریالیسم  
آمریکا  
تمام  
خلق  
باید  
از نظر  
نظامی  
مجهر  
شود

# ضد انقلاب

## هنوز در رسانه‌های گروهی پایگاه دارد

از گذشته درس بگیریم

ایران و «مهران» را دیده بودند، از کثرت حملات به حزب توده ایران و وفور سپاه‌های علی‌آباد شده، از خود می‌پرسیدند: در حالی که این مجلات علیه امپریالیسم آمریکا چیزی نمی‌نویسند، چرا اینقدر به حزب توده ایران دشمن می‌باشند؟

اکنون پاسخ این پرسش را میتوان به روشنی داد. امپریالیسم آمریکا، که بدینوسیله دشمنان خود را می‌شناسد، در مجلات دست‌نشانده خود تکتاکت با حمله علیه انقلاب و رهبری آن، بیگانه‌ترین متحد امام و قدیمی‌ترین و نیرومندترین سنگر مبارزه ضد امپریالیسم، یعنی حزب توده ایران را هم نشان گرفته بود.

برخی از آنها که در «امید ایران» سخنان «شبه‌فرموده» و «مسیا ساخته» را در مورد حزب توده ایران تکرار می‌کردند، اکنون هم با «تجربه پنج‌ساله»، همان اقترا را در رادیو و برخی نشریات علیه حزب توده ایران ادامه می‌دهند.

در تمام مقالات، اخبار و مصاحبه‌های این دو مجله، حزب توده ایران را «کارگزار بیگانه، دشمن ایران، خائن» و از این قبیل واژه‌های «فرهنگ سیاه» لقب می‌دادند. نویسندگان این نوشته‌ها، هنوز هم بسیارشان سر در آخور و پختیار و دیگران دارند، خود را «وطن‌پرست» و «ملی» و «مستقل» میدانستند. البته این مدعیان هابناهی هستند که اکنون معلوم شده مستقیم و غیرمستقیم از جاسوسان آمریکا دستور می‌گرفته‌اند و در انجمن‌های فرهنگی آمریکا راضی‌اش شده‌اند.

نشریات دست‌نشانده، در حالیکه به تمام قدرت توپخانه خود علیه حزب توده ایران آتش می‌باریدند، به تفریف‌سازمانها و گروه‌های چپ‌ها و چپ‌رو پراختند و با تشویق مدام و کفزدن برای آنها، راضیان را تأیید کردند. وقتی در تابستان گذشته اغلب نشریات ضد انقلابی تعطیل شد، همین چه نماها و چه‌های افراطی، با یاری لیبرال‌ها، به تظاهرات دست زودند و تعطیل این جراید را «دورس به آزادی و ظهور فاشیسم» اعلام کردند. یکی دیگر از سنگرهای امپریالیسم روزنامه «امداد» بود، که به شیوه‌های دیگر به مبارزه با انقلاب ادامه میداد: صفحات این روزنامه بیش از آنکه افشا کننده فعالیت‌های ضد انقلاب و ترویج کننده اندیشه‌های منطبق با مصالح انقلاب باشد، جولانگاه گروهکهای ضد انقلابی، احزاب پیر امپریالیسم و عناصر مشخصاً چنایکتار، خائن و مشکوک است.» (مردم شماره ۱۱۱ - ۱۷ آذر)

های سوسیالیستی حزب توده ایران و یار نزدیک هویدا و امیرطاهری رفت و «مهران» هم درست با همان نقاب به میدان آمد. با این تفاوت که این مجله ضد انقلابی را چه‌ها قلمه کرده بودند و گذشته از معاون سردبیر آن، که شاسفانه هوارا فدائیان بود، بقیه تحریریه آنرا تروسکیست‌ها تشکیل میدادند. این مجله نیز از «چپ» به‌جان انقلاب افتاد.

«مهران» هم به‌مان راه رفت که «امید ایران» میرفت. هر دو در درجه‌اول یک وظیفه را دنبال می‌کردند: تبلیغ علیه انقلاب و رهبری آن. تیره کردن ذهنان درباره انقلاب و سپه‌اشی به سود امپریالیسم پسرگردگی امپریالیسم آمریکا.

این دو مجله، با یاری نشریات هتای خودشان مثل «آیندگان»، «پیغام امروز» و... آنچنان در این تبلیغات پیش رفتند که: «اگر کسی بخواید از دیدگاه بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات، جامعه برآمده از انقلاب ما را بشناسد، در اولین دوروی موی براندام او راست خواهد ایستاد. او کشور از

بخانه امام و دادگاههای انقلاب، که آن موقع در مدرسه علوی تشکیل میشد، راه یافت. (اکنون که ارتباط او با آمریکا روشن شده، باید این ساله هم تحقیق شود که در آن موقع نوری‌زاده چه وظیفه‌ای را در ارتباط با امپریالیسم داشته است.)

طولی نکشد که صفریور و نوری‌زاده یکدیگر را جستند و جمله‌امید ایران از این موقع، که مصادف با فروردین ماه امسال است، با این روش بکار ادامه داد: «نوری‌زاده متذکر شد که سیاست درازمدت در جله‌اش، ایجاد قریونی برای لیبرال‌های ایرانی است و به‌همین دلیل مقاله سردبیر این هفته به‌انتقاد از سیاست انحصاری درآداره کشور و حمایت از آینده رهبری جمعی پرداخته است که یک مخالفت علنی با خطی محسوب میشود.» (از سند رابطه نوری‌زاده با وابسته مطبوعاتی آمریکا)

و برای اجرای این سیاست بود که سینه‌چاکان «آزادی»، جمله امید ایران را قریونی خود کردند و از «چپ» و راست انواع و اقسام سازمانها و شخصیت‌های مشکوک در صفحات این مجله به جلالین‌داختند. عکس برخی‌ها، در حالیکه زیر نام و نامش محسوب نپشان شده بودند، رو جلد مجله آمد و نظر افکاس به‌فور چاب شد. «آزادبخوان» به انقلاب خاتند و خبر از «فرارسیدن فاشیسم» دادند. برخی از شاعران، که دست بوسرها را فراموش کرده بودند، به

هنوزان مجارودانه‌سره، نگران ازین رفتن «آزادی» شدند. ویران شاپور پختیار در حزب ایران، که هنوز هم با پختیار تماس دارند و دستورات او را اجرا میکنند، اعلام داشتند که «روح اسلام از اینگونه رفتارها بیزار است» و خلاصه همه این آقایان انقلاب را زیر آتش گرفتند. اما نقش «امید ایران» بیشتر از این بود. این مجله در دست پایگاه پختیار بود. عکس او روی جلد چاب میشد و در «دادگاه» مجله از خیانت بهره می‌گرفتند.

از اینها گذشته، ژرفالهایی که این روزها کوسوم رسوائی‌شان را از باام لانه‌جاسوسی می‌زنند، در این مجله کاندیدای اداره کشور شدند. «امید ایران» در شماره ۲۳ خود نوشت: «مدتی در روزهای پایانی مبارزه نقش ویژه‌ای داشت و فعالیت او در جهت جلوگیری از خوریزی بیشتر و ایجاد تفاهم بین پختیار و امام فراموش نشدنی است. قابلیت مدنی در خورستان یافت شد یک‌بار دیگر نگاه ما متوجه او شود. چه در حال حاضر کشور بی‌بی از هر چیز به یک ملشردقاطع نیازمند است.»

عبدالله والا هم سراغ مسعود پهنود، اجراکننده تیر اول، یعنی فریتمانه از شاه خائن و قفسنامه علیه کشور

سرخ سینه چاکان «آزادی»، مدافعان «دموکراسی»، مخالفان «فاشیسم آخوندی»، دشمنان «استبداد غیا و وطن‌بین» و دشمنان «حزب توده ایران» در جیب گل‌وشاد عمو سام پیدا شد!

دانشجویان مسلمان بیرو خط امام یا افشای اسناد رابطه «بامداد»، «امید ایران»، «مهران» و «مهران» تا یازم با جاسوس‌خانه آمریکا در تهران، این واقیبت را با اسناد غیرقابل انکار تأیید کردند که:

«رژیم پهلوی سرنگون شده و امپریالیسم پشتیبان آن ضربت دیده، ولی عوامل و بازمانده‌های آنان نابود نشده‌اند، در مجموعه دستگاہی که از رژیم سابق بچا مانده، آنها مواضع حساسی را در هیپتان در اختیار دارند، از جمله در مطبوعات. ضد انقلاب امپریالیسم و بازماندگان رژیم پهلوی از مواضعی که در اختیار دارند، برای تحریک، توطئه، آشوب، قتل، تفرقه‌افکنی، اختلال، خرابکاری، سردرگمی، گمراهی و در یک کلمه برای تضعیف انقلاب و رهبری انقلاب استفاده می‌کنند، از جمله مطبوعات.» (مردم - شماره ۲۲-۵۲ مرداد ۱۳۵۸)

این اسناد نشان داد که: «مبارچیان و بزرگ‌کنندگان - چهره استبداد و امپریالیسم، فارغ از هر دغدغه‌ای، در پشت حساسترین پلندگوهایی تبلیغاتی، به زهرپاشی ادامه می‌دهند. و جالب اینکه این عمل و اگره‌گندیده نظر و آئین استبداد، چنان در زیر علم و کتل «آزادی و آزادی‌خواهی» سینه چاک میدهند که گویی رسولان دست از جان شسته آرمان شهادت‌اند.» (مردم - شماره ۴۴ - ۳ مرداد ۱۳۵۸)

اکنون، هر چند بسیار دیر، اما خوشبختانه سرانجام این واقیبت‌صحت خود را، به آنها که گوش‌های خود را بسته دوست میدارند، اثبات میکند و از پشت سیمایرتکین مطبوعات «آزادی‌خواه»، چهره‌کره امپریالیسم آمریکاییتر و بیشتر نمایان میشود. چهره‌گرایی که ماسک زیبایی به صورت خود زده است: «آزادی»!

نگاهی به نشریاتی که دم خروس «آزادبخوانی» آنها از جیب عمو سام بیرون آمده، بار دیگر دو واقیبت را ثابت میکند:

### ۱- لیبرالیسم، نقاب امپریالیسم

وقتی در سال ۱۳۵۶، شاه خائن قریب «فضای باز سیاسی» را اختراع کرد، بلافاصله منوچهر آزمون، مغز متفکر ساواک، اعلام کرد که مطبوعات توقیف‌شده آزادی-شوند. نشریاتی که چند روز بعد به نشانه «باز شدن فضای سیاسی» ایران اجازه انتشار گرفتند، در واقع عسای دست امپریالیسم بودند: «امید ایران»، «مهران» و...

گویا آزمون میدانست که به‌مدام معدوم شدن خودش، این نشریات راهی را دنبال خواهند کرد، چنین هم شد. «واو» و «صنی‌پور»، عمال سابقه‌دار رژیم شاه مخلوع وقتی انقلاب دژهای رژیم را فرو ریخت، لباس «آزادی‌خواهی» به تن کردند.

«صنی‌پور»، که یکی از «امیدهای ایران» برای امپریالیسم بود، به سراغ دکتر علیرضا نوری‌زاده رفت. نوری‌زاده در زمان استعاب مطبوعات، همه زور خود را زد که استعاب را بشکند و بعد هم در جلسه دیدار نویسندگان مطبوعات با پختیار، نوری‌زاده، که مشاور مطبوعاتی «مرغ طوفان» بود، کوشید آنها را با ارباب آشتی دهد، اما باز هم موفق نشد. نوری‌زاده به یکی از روزنامه‌های مسر رخنه کرد و بعد از پیروزی انقلاب بعنوان خبرنگار همین روزنامه

### نشریاتی که مستقیماً از جاسوس‌های آمریکائی دستور می‌گرفتند، حزب ما را بیگانه‌پرست می‌خواندند.

### نشریاتی که سفارت آمریکا آنها را اداره می‌کرد، متحداً علیه انقلاب، امام و حزب توده ایران مطلب می‌نوشتند.

هم گسیخته و پریسانی خواهد یافت که در زیر پاشنه ارجحی‌ترین دیکتاتورها به‌خود می‌چسبند، زندانها انباشته از بیگانه‌ها، ساطور ماسور همه‌جا حاضر و ایادی امپریالیسم بر حساس‌ترین مواضع چیراند. زنان ازبختی که بدان دست یافته بودند، دوباره به اساق آشپزخانه‌ها رانده شده و در پیچ‌و چادر و چاقچور فرو رفته‌اند، گرانی پیداد میکند، رشوه و فساد از سر و کول مملکت بالا می‌رود، امنیت کیسیاست، عدالت متواری است. همه‌جا تاریک است.

ختر روزنه دورستی از امید پیدا نیست... چنین صوری از جامعه ما، هر بیننده و ناظری را بر اختیار به این قضاوت میکشاند که: «مد رحمت به‌دوران آریامیری» (مردم - شماره ۴۴ - ۳ مرداد ۵۸)

«امید ایران» و «مهران» هم وظیفه دیگرشان، به همان‌اهمیت، وظیفه اول و در رابطه تکتاکت با آن، حمله به حزب توده ایران بود و این همان واقیبت بعدی است:

### ۲- حمله به حزب توده ایران

کسانی که آروزها چند شماره از مجلات «امید

شماره ۴

# دنیای

منتشر شد:

در این شماره:

- انقلاب ایران به مرحله‌عالیتری گام نهاده است
- نظام اقتصادی مصوب قانون اساسی و پیشی که حزب ما از این نظام دارد
- مبارزه دهقانان اوج می‌گیرد
- جان‌گرا نهائی که حسین‌درد راه خلق برکت‌نهاد
- ۲۱ آذر، اوجی چشمگیر از مبارزات مردم ایران
- ماوریدگاه‌های نو در جنبش چپ ایران
- مقالاتی درباره، نقاشی معاصر ایران - ضرورت دگرگونی در نظام دولتی ایران - چین و بر کافئیتی - بحران اقتصاد در جهان امپریالیسم
- وسپاری مطالب دیگر

## الغای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه‌ای است به امپریالیسم توطئه‌گر، خدمتی است به رونق اقتصاد کشاورزی و خواست مبرم دهقانان زحمتکش است

### مالک غاصبی مرد، غاصب دیگری به عنوان «وصی» او زمینها و باغهای دهقانان را تصاحب کرده‌است!

ده هکتار می‌دهند، در ناحیه رملکان کواد، از توابع شیراز واقع است. در دوران رژیم پهلوی گذشته، مالکان غاصب، که اکثراً در شهر زندگی می‌کردند، بر زمینهای این ده چنگ انداختند و در این راه ژاندارمها و ساواک بهترین وسیله برای سرکوبی هر نوع احقاق حق مردم مظلوم ده بودند.

پالینکه ده از آب کافی بر خوردار است و زمینهای کوهپایه‌ای حاصلخیزی دارد، توده زحمتکش دهقانان قاصد هر گونه امکانات زینتی و رفاهی است. قدر محرومیت و بیسودای همراه با مت‌های گوناگون ارباب، روح فاسد دهقانان زحمتکش را دردم می‌شکند. یکی از این اربابان «آرین» نام داشت که بر زمینهای وسیعی از این ده چنگ انداخت، بدین ترتیب که در حدود ۹۰۰۰ (نه‌هزار و شصت و شش) هکتار زمینهای دهقانان این ده را با زور تهدید از آنها گرفت و فقط قطعه زمین مسودی (حدود ۱۸۰۰) من) برای هر یک باقی گذاشت. او زمینها را مسود کرد و با کشتن نمادی درخت در هر یک، مالکیت قسمی خود را «تعیین» نمود. ۶ خانسوار از دهقانان مذکور پکلی آواره گردیدند.

پس از مرگ «آرین»، فردی به نام «آذری» بعنوان وصی وی به اصلاح صاحب باغها و زمینها گردید. اکنون با سرنگونی رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی در اثر قیام ملیونی توده‌ها، دهقانان بر آن شده‌اند تا بفرموده امام حقوق از کف رفته خود را بنست آورند و زندگی شرافتمندانه‌ای را که شایسته دوران انقلاب باشد، سازند و بر تولید ملی بیفزایند و در حد توانائی پاسداری زحمتکش خود کرده‌ای از ایران عزیز را سرزن و آبداد کنند.

دهقانان امید قاطع دارند که دولت جمهوری اسلامی ایران با اجرای هر چه سریعتر قانون اصلاحات ارضی دهقانان زحمتکش را در پیوند این راه دگر می‌و امید به‌شد.

### پشتیبانی قاطع از اصلاحات ارضی

دهقانان، کورزان باها یاور وقاصم خاند سنجایی نکرانی به شرح زیر به دفتر امام خمینی مجاربه کردند: «ما دهقانان منطقه سنجایی از تصمیمات شورای انقلاب و رضا استهبانی، معاون وزارت کشاورزی، سددردد پشتیبانی قاطع می‌نمائیم. این مناطق شامل کورزان، باها یاور وقاصم خان می‌باشد و از مقام رهبری می‌طلبیم که هر چه زودتر دستور فرمایند طرح شورای انقلاب به مورد اجرا درآید.»

### دریستک، ضد انقلاب در چهره افغانی، میکوشد تا امپریالیسم را از زیر ضربه خارج سازد

اخیراً دو نفر جوان که ادعا می‌کنند افغانی هستند و تسلط کامل بر زبان فارسی دارند، در بستک و حوالی آن دست به تحریراتی زده‌اند و در برنامه‌های تبلیغاتی خود میکوشد با انحراف در اکتاد مردم، امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج سازند.

این دو جوان در بستک سخنرانی در مسجد بستک، بعد از جلسات خود به اتحاد شوروی، به حکومت ضد امپریالیستی لیبی تاخته و جمال عبدالناصر، رهبر ملی مصر را شخصی «نادرست» معرفی می‌کنند.

خوشبختانه مردم با روشن بینی خود مانع ادامه این تحریرات می‌گردند. جالب توجه اینکه این دو جوان بظاهر افغانی در صحبت‌های خود اعتراف میکنند که «مسلمانان» افغانی توسط فتوادلهای داخلی و آمریکا حمایت میشوند. این دو جوان بظاهر افغانی ضد انحرافات شخصی بنام صدیقی دهر در برنامه‌های بستک بر خود دارند.

### اراضی مصباح فاطمی ملی شد

رادیو شهر کرد، روز ۵۸/۱۱/۲، این خبر را اعلام کرد. این رادیو ضمناً اطلاع داد که، کشاورزانی که روی زمین‌های مذکور کار می‌کردند، جهت دریافت سند مالکیت زمین به سپاه پاسداران مراجعه کنند. بلازم موضوع فوق‌انسانی جمهوری اسلامی ایران، مرکز اصفهان، در تاریخ ۵۸/۱۱/۳، نیز پیش گرفت.

مردم با خوشحالی باین عمل انقلابی و اقدام ضد فتوای تهنیت

### حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین مصممانه پشتیبانی میکند

### تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

# کاخ بیادولابزین کنیم

## خاتم حزب کمونیسم آریابو

رقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواستیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمترین کتدگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

من یک زن خانه‌دار ارمنی هستم که از مخارج عید و سال نو مسیحتی مبلغ بیست هزار ریال صرفه‌جویی کرده‌ام و آن را برای ساختن خانه حزب توده ایران و خانه امید تمامی زحمتکشان ایران تقدیم می‌کنم.

- هرسا ازمنانه ۱۰۰۰ ریال
- هواداران حزب دهبهر ۳۰۰۰۰
- نصرت ۱۵۰۰
- از کرمان ۱۰۰۰۰۰
- آسیه ۴. یک لیره ترک (نقره) و ۱۲۶۲
- هواداران حزب از دانشکده دامپزشکی ۵۵۰۰۰
- دانش آموزان دمکرات دبیرستان دخترانه سرورآلابوش آمل ۳۰۰۰۰
- ج. پختیاری از مسلمانان فلکراه آهن ۱۰۰۰۰
- پاک از صندوق خانوادگی ۶۵۱۲
- نوشین ۷۲۲
- الف. و از احوال ۱۰۰۰۰
- ریما بخارانی ۱۹۹۰۰
- سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - شیراز ۳۵۳۳۵
- دانش آموزان دمکرات شیراز ۲۳۸۸۵
- گروهی از دانش آموزان هواداران حزب در پابل ۸۵۰۰
- هولی که رفیق و حسن وسهیل با یاد کردن برف فراهم کرده‌اند ۳۵۲۵

## لاینحل ماندن مشکل مسکن زمینه سوءاستفاده ضدانقلاب شده است

در سده تخریب خانه از «مصرفین هدوانی» بر مآبند، طبق اخبار رسیده در مواد بسیار میان پاسداران و نوخانه‌ها درگیری ایجاد شده و چه بسا که به ضرب و جرح طرفین انجامیده است. در این ماجراها، بی‌خانه‌ها و بی‌خانواده‌ها در این اوضاع انقلاب به هدف مردم و پرشمار نادانان می‌افزاید و این بسود انقلاب نیست.

در آستانه نخستین سالگرد انقلاب هشتم، با وجود سخت‌نات فراوان از سوی مراکز متعصب و مصلحت‌گرای درمورد واگذاری خانه به مستضعفین، هنوز کودن‌نشینان، که پیش از ۲۰۰ خانوارند، همچنان کودن‌نشین‌اند. زائده‌ها و کبرهای خشت و گل و حبلی، حاشیه‌نشینان شهرها را در خود جای داده‌اند. دویست هزار خانواده‌ای که باید در رفاهت مسکن از گوشه و کنار کشور به تهران کوچ کرده‌اند، در آلودگی‌ها بزمین‌نشینند. چادرهای برزنتی حتی در پیاده‌روهای خیابانهای اصلی شهر تهران بچشم می‌خورند، که در این سرمای زمستان، خانواده بی‌پناهی را در دل سرد و مرطوب خود پناه داده‌اند. در سراسر روستاهای ایران مردم زحمتکش در کلیه‌های محروم‌ترین پهنه‌های خود محکوم هستند.

تصمیمات متعدد مراجع مسئول دربار مسکن مسکن برای مردم زحمتکش محروم هیچکس تحقق نیافته است، زیرا متأسفانه هر تصمیم جدیدی تصمیمات قبلی را نقض کرده و خود در عمل قابل اجرا نبوده است.

در مرداد ماه، یعنی شش هفت ماه پیش اعلام شد که اگر خانه‌های خالی تا اول زمستان به اجاره واگذار نشود و به فروش نرسد، این ۹۰ هزار خانه خالی به مستضعفین واگذار خواهد شد. خانه‌های خالی نه به اجاره رفت و نه بفروش رسید، ولی خانواده‌های مستضعف صاحب خانه و آفتاب نشینند. گروهی در خیابانهای شمال شهر به روشی نشان می‌دهند که این خانه‌های چند طبقه لورکی و ویلاهای وسیع طاقتور یا بکلی خالی‌اند و بی‌احتمال سکونت یک یا دو مستخدم ارهاب فراری خانه. تعداد زیادی ساختمانهای نیمه تمام، که صاحبان آنها به فراری و یا در دادگاههای انقلاب محکوم به اعدام شده‌اند، ماهها خاک خوردند و اکنون برف می‌خورند. شهرکها و مجتمع‌های مسکونی نیمه تمام طاقتوران، که پولها را به جیب زده و راهی دفریب، سلبه گام خود شده‌اند، همچنان نیمه کاره باقی مانده‌اند. ده‌ها هزار خانه‌ای که کار در سابق جاویدان در لسوزان ساخته بود و هم‌تنگش کفاف پایان آنرا نداد، هنوز هم ناتمام به عمارت می‌نگرند، در عرض هر روز شاهد صف طولانی متقاضیان مسکن در برابر مراجع مختلف تصمیم‌گیری، از قبیل وزارت مسکن و شهرسازی، بانک مسکن، بنیاد مستضعفین و غیره هستیم، که مسراجعات مکرر آنرا را خسته و فرسوده ساخته و هدای آن آنها، بی‌آنکه خود بدانند و بفهمند، طعمه لذیذ ضدانقلاب شده‌اند.

شاید انقلاب شامه تیز دارد. لباس طرفداری از مستضعفین میبوشد و پیرایه بی‌خانه‌ها می‌رود، آنها را برای اشغال این یا آن آپارتمان خالی بسیج میکنند و چون خانه به تصرف آنان در آمد، پاسداران انقلاب، بناه وظیفه محوله، شدا انقلاب شامه تیز دارد. لباس طرفداری از مستضعفین میبوشد و پیرایه بی‌خانه‌ها می‌رود، آنها را برای اشغال این یا آن آپارتمان خالی بسیج میکنند و چون خانه به تصرف آنان در آمد، پاسداران انقلاب، بناه وظیفه محوله، شدا انقلاب شامه تیز دارد.

تصمیمات متعدد مراجع مسئول دربار مسکن مسکن برای مردم زحمتکش محروم هیچکس تحقق نیافته است، زیرا متأسفانه هر تصمیم جدیدی تصمیمات قبلی را نقض کرده و خود در عمل قابل اجرا نبوده است.

در مرداد ماه، یعنی شش هفت ماه پیش اعلام شد که اگر خانه‌های خالی تا اول زمستان به اجاره واگذار نشود و به فروش نرسد، این ۹۰ هزار خانه خالی به مستضعفین واگذار خواهد شد. خانه‌های خالی نه به اجاره رفت و نه بفروش رسید، ولی خانواده‌های مستضعف صاحب خانه و آفتاب نشینند. گروهی در خیابانهای شمال شهر به روشی نشان می‌دهند که این خانه‌های چند طبقه لورکی و ویلاهای وسیع طاقتور یا بکلی خالی‌اند و بی‌احتمال سکونت یک یا دو مستخدم ارهاب فراری خانه. تعداد زیادی ساختمانهای نیمه تمام، که صاحبان آنها به فراری و یا در دادگاههای انقلاب محکوم به اعدام شده‌اند، ماهها خاک خوردند و اکنون برف می‌خورند. شهرکها و مجتمع‌های مسکونی نیمه تمام طاقتوران، که پولها را به جیب زده و راهی دفریب، سلبه گام خود شده‌اند، همچنان نیمه کاره باقی مانده‌اند. ده‌ها هزار خانه‌ای که کار در سابق جاویدان در لسوزان ساخته بود و هم‌تنگش کفاف پایان آنرا نداد، هنوز هم ناتمام به عمارت می‌نگرند، در عرض هر روز شاهد صف طولانی متقاضیان مسکن در برابر مراجع مختلف تصمیم‌گیری، از قبیل وزارت مسکن و شهرسازی، بانک مسکن، بنیاد مستضعفین و غیره هستیم، که مسراجعات مکرر آنرا را خسته و فرسوده ساخته و هدای آن آنها، بی‌آنکه خود بدانند و بفهمند، طعمه لذیذ ضدانقلاب شده‌اند.

شدا انقلاب شامه تیز دارد. لباس طرفداری از مستضعفین میبوشد و پیرایه بی‌خانه‌ها می‌رود، آنها را برای اشغال این یا آن آپارتمان خالی بسیج میکنند و چون خانه به تصرف آنان در آمد، پاسداران انقلاب، بناه وظیفه محوله، شدا انقلاب شامه تیز دارد.



### پلیس آمریکا سیاهان را می‌کشد

صدها تن از سیاه‌پوستان شهر آیداهل، در ایالات اوکلاهما در آمریکا، به تظاهرات اعتراض به جنایت وحشیانه پلیس و سرکوب سیاهان دست به تظاهرات زدند و با افراد پلیس به زدوخورد پرداختند سیاهان بویژه، به قتل یک نوجوان ۱۵ ساله سیاه بوسپله پلیس اعتراض داشتند. پلیس شهر آیداهل، تلاش کرده بود روی این جنایت سرکوب کند. بناه پاره‌های گزارشها، در جریان تیراندازی پلیس بسوی زحمتکشان سیاه پوست، دو تن از سیاهان کشته شدند. پلیس عده زیادی از تظاهرکنندگان را بازداشت کرد.

### تحریرات آمریکا در گره افزایش یافته است

جمهوری دمکراتیک خلق کره اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا با تمام مانورهای تحریک آمیز نظامی در شبه جزیره کره، تشنج را در این منطقه دامن می‌زند. جمهوری دمکراتیک خلق کره اعلام کرد که آمریکا باید همه نیروهای اشغالی خود را از کره جنوبی خارج کند. امپریالیسم آمریکا در چند هفته اخیر تحریرات خود را در شبه جزیره کره افزایش داده است. چند هواپیمای جاسوسی آمریکا بارها به حریم هوایی جمهوری دمکراتیک خلق کره تجاوز کرده‌اند.

### پرواز تجاوز اسرائیل، ۲۵۰ هزار تن در جنوب لبنان آواره شده‌اند

تجاوزات وحشیانه اسرائیل به جنوب لبنان، که با حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا صورت می‌گیرد، به آوارگی بیش از دویست و پنجاه هزار تن از ساکنان این منطقه منجر شده است. بموجب آمارهایی که در بیروت منتشر شده، در پنج سال گذشته بیش از ده هزار خانه و سه هزار نفر از اهالی و راست‌گرایان ویران شده است. آوارگی ساکنان

## اخبار کارگری

### هشیاری کارگران چیت سازی تهران «بافکار»

کارگران چیت‌سازی تهران مدت‌هاست از شورای کارخانه خواستار تسفیه عوامل ضدانقلابی شده‌اند. شورا تاکنون در این جهت قسمی بر نداشته است، زیرا آن طور که خود کارگران می‌گویند بعضی از نمایندگان نه از کارگران، بلکه از مدیرعامل شرکت حرف شنی دارند. احمد سالم، مدیرعامل شرکت متنوع الخوج است. مساله پاکسازی از طرف شورا آنقدر به تأخیر افتاده که سازمان کسرتش (کارخانه چیت‌سازی وابسته به این سازمان است) تصمیم گرفت خود رأساً وارد عمل شود. اعلامیه‌ای در این مورد انتشار یافت، ولی همان نمایندگان که خود زمانی کارگر بوده‌اند، اعلامیه‌ها را از دیوارها کشیدند تا کارگران در جریان امر قرار نگیرند.

در مورد مقر که می‌بایست نمایندگان اتحادیه سازمان کسرتش بکارخانه بروند، اتفاقاً برق کارخانه قطع شد و کارخانه در روز تعطیل شد. به این ترتیب جلسه افشاگری به تأخیر افتاد. به نمایندگان گفته شد که ممکن است به پهنه دخالت سازمان در کار کارخانه، افتشاشی صورت گیرد و بنابراین سازمان کسرتش از تعقیب جریان امر منصرف شد. قرار نهایی بر این شد که شورا مجمع عمومی تشکیل دهد و در آن مجمع اسامی ساواکی‌ها اعلام و تصمیم لازم اتخاذ شود.

کارگران در مراجعات مکرر خود دریافتند که نمایندگان از تشکیل مجمع تن می‌زدند و زیر بار نمی‌روند و ناگزیر خواستار انحلال شورا شدند. فرادش این خواست کارگران در مجمع عمومی مطرح شود.

ولی مجمع تشکیل نشد، زیرا شورا زیر بار نرفت. سرانجام کارگران تنها راه چاره را در این دیدند که به جلسه شورا بروند و شورا را مورد نقد قرار دهند. در اثر سیاقی کارگران، روز سه شنبه ۵۸/۱۰/۲۵، مجمع عمومی تشکیل جلسه داد. در این جلسه یکی از نمایندگان به پهنه این که در برابر تهدید شورا باید از او محافظت شود، با اتفاق ۱۰ پاسدار مسلح به مجمع آمد و دو نفر از آنان را با تفنگ ۳-۳ روی سن مستقر کرد. کارگران که از این حرکت شدت بخشم آمده بودند، این عمل را اقدامی در جهت ارباب خود ادرازی می‌کردند، ولی در همین حال آرامش خود را حفظ کردند.

کارگران جلسه را به آرامی ترک گفتند تا پهنه‌های بدست کسی ندهند. آن‌ها منتظر اقدامات بعدی شورا در جهت پاکسازی و برطرف کردن مشکلات موجود هستند.

### چرا تولید آهن اسفنجی متوقف گردید؟

در ناحیه اهواز سه کوره بلند، برای احیاء سنگ آهن وجود دارد. یکی از این کوره‌ها، که قدیمی‌ترین آنها نیز هست، بکلی از کوره تولید خارج شده و جدیدترین آنها هنوز مورد آزمایش و بهره‌برداری قرار نگرفته است. بنا بر این، امر احیاء سنگ آهن فقط توسط یک کوره انجام می‌گردد. احیاء سنگ آهن با عده یک قرارداد یک میلیون دلار و پس از تصدیق دولت فاسر و پلر واگذار گردید. ولی متأسفانه این شرکت، بعد از انجام ۸۰٪ عملیات، از مهرماه ۵۷ کلیه اقدامات را در تولید و احیاء متوقف کرد. بدیهی است که رکود و توقف تولید ضرر قابل توجهی به اقتصاد کشور خواهد زد. به خصوص در شرایط فعلی که تجدید حیات تولید در دستور روز قرار دارد و با توجه به اینکه دولت ناگزیر مبالغ هنگفتی حقوق مساحات کارگران این صنایع را بدون بهره‌برداری از تولید می‌پردازد، این سوال مطرح می‌شود که برآستی چرا شرکت فاسر و پلر احیاء سنگ آهن و تولید آهن اسفنجی را متوقف کرده است و مقامات مسئول در مورد این امر چه اقداماتی انجام داده‌اند؟

### از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

این مبلغ ناچیز را به حزب تقدیم کنید. یکی از هواداران حزب توده ایران که سواد تاکسی شده بود، مقاله‌ای از مردم را برای مسافرت به صدای بلند خواند. راننده تاکسی، که اشک شوق در چشمانش جمع شده بود، گفت: «من مدتی در زندان بودم و حزب توده ایران را می‌شناختم. خوشحالم که فعالیت این حزب علنی شده است.» وی در انتهای مسیر از دریافت کرایه رفیق هوادار خودداری کرد و مبلغی نیز به او داد و با صدای لرزان گفت: «این مبلغ ناچیز را به حزب تقدیم کنید.»

توجه از همه دوستانی که به هر یک از حسابهای بانکی حزب توده ایران وجهی واریز می‌کنند، خواهشمندیم فتوکپی رسید بانک را برای ما ارسال دارند.

### جنوب لبنان، که هلت اصلی آن تجاوزات وحشیانه اسرائیل است، یکبار دیگر نقاب رباکارانه «حقوق بشر» را که امپریالیسم آمریکا بر چهره زده است، از هم می‌درد.

### امپریالیسم انگلستان همچنان در زیمبابوه به توطئه مشغول است

توطئه امپریالیسم فرتوت و رباکار انگلیس برای کارشکنی در آزادی واقعی زیمبابوه (رودزیا) خشم محافل ترقیخواه آفریقا را برانگیخته است. یک سخنگوی جبهه میهن پرستان در دارالسلام پایتخت تا زانها، گفت: «ده هزار سرباز رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی با حمایت حکومت لندن در رودزیا پس می‌برند، این سخنگو گفت: دروش امپریالیسم انگلیس در مورد حل و فصل مسئله زیمبابوه (رودزیا) درست متناه روشی است که انگلیس در قبال مسئله فلسطین پیش از تحویل دادن آن به صهیونیستها، پیش گرفته بود.» از سوی دیگر کمیته آزادی بخش سازمان وحدت آفریقا خواستار اجلاس فوری شورای امنیت برای بررسی تحریرات انگلیس در رودزیا شد.

### در افغانستان، بسیاری از افراد شورشی، که بر اثر تبلیغات گمراه شده بودند، سلاحهای خود را تسلیم کرده‌اند

هریک کارمل رئیس شورای انقلابی افغانستان در یک مساحه مطبوعاتی در کابل بار دیگر تأکید کرد که امپریالیسم آمریکا و چین سعی دارند در افغانستان دست به خرابکاری بزنند. کارمل گفت که کمکهای اتحاد شوروی به انقلاب افغانستان این امکان را فراهم ساخت تا طرحهای شوروانه و وقیحانه امپریالیستهای آمریکائی و برتریه طلبان چین خنثی شود. رهبر افغانستان تأکید کرد که در پی آغاز مرحله جدید انقلاب در کشور، نظم انقلابی برقرار شده است. کارمل ضمن سپاسگزاری از کمکهای اتحاد شوروی گفت که بسیاری از افراد شورشی، که بر اثر تبلیغات گمراه شده بودند، سلاحهای خود را تسلیم کرده‌اند.

# لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

# آیا در مورد مادروغ میگویند، ولی در مورد دیگران درست؟

صدای و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بارها و بارها پدستی تا کید کرده است که رسانه های گروهی غرب در قیسه اقتدار امریالیسم و صهیونیسم قرار دارد و بهمین جهت مانع از آنست که واقعیت جهان نشر گردد و سقطه ها و دروغ ها و جملیات مورد علاقه خود را اشاعه می دهد.

بمهره نیست که رژیم انقلابی ایران عذر جمعی از خبرنگاران آمریکائی را خواسته و به خبرنگاران کشورهای غربی دیگر اخطار کرده است.

ما خود شاهد جنگ جبال افراء آملین صهیونیسم و غربیستیم که این خبرنگاران در جهان علیه ایران، انقلاب آن، رهبر انقلاب آن پخش میکنند. امام خمینی در یکی از گفتارهای خویش چندی پیش گفت که، حتی بنا نسبت میدهد که پستان زنان

را قطع میکنند. در این زمینه نمونه صدها و صد ها میتوان ذکر کرد.

با اینحال وقتی نوبت به آن میرسد که این خبرنگارهای جاهل و دروغ گو درباره کشورهای سوسیالیستی چه میگویند آن موقع دیگر مراکز خبری ما تمام سخنان خود را از یاد می برند.

چندی پیش بنا سرودهای زیاد خبر دادند که گویا کاردار شوروی در مکزیک مطالبی درباره کمک نظامی به ایران، در صورت ایزاد تمایل از جانب رژیم انقلابی ایران، گفته است. بعدها معلوم شد که این خبر از بیخ و بن جعلی بود. ولی این معمول بودن ایداً مانع نشده که صدا و سیمای ایران و برخی مطبوعات بزرگترین سر و صداهای را درباره این دروغ، این جمل مطلق بیا

کنند. یا مثلاً در مورد حوادث افغانستان، همان رسانه های مغفزی و کذاب امپریالیستی و صهیونیستی، یکسریه متبع پختی حقیقت و دفاع از عدالت از آب درمی آیند و تمام جزئیات مطالب روذیانه ای که سر هم می کنند، بوسیله رسانه های گروهی، با نوعی احساس شورو شوق و ارادت پختی میشود.

برای ما مفهوم است که دست اندکاران رژیم انقلابی ایران مایلند ثابت کنند که آنها «نه شرقی هستند و نه غربی». ما کلاهی به کم و کیف این حکم نداریم و در آن حد که معنای این حکم آنست که ایران باید به خود متکی شود و بمداخلات مخالف مصالح خویش از هیچ سومیان ندهد. هیچ عاقلی با آن مخالفت نمی کند. در روابط بین

کلیه کشورهای سوسیالیستی نیز اصل عدم مداخله در امور یکدیگر مورد تأکید قرار میگیرد. ولی آیا شکل اجراء این سیاست مستقل آنست که، رفتار درست و نادرست دولتهای دیگر برای ما یکسان باشد و دوست و دشمن بنا هم مخلوط کرده اند؟ اخیراً در تفسیری در صدای ایران مطلب درباره «کمک کذافی آمریکا به پاکستان طوری ارائه شده است که هم از سوی کمک دهنده (آمریکا) این کار برای مقابله با «تجاوزگری» شوروی است و هم برای کمک گیرنده (پاکستان) دارای سودمندیهائی است. در این تفسیر دیگر از آمریکائی چه بخوار، دشمن شماره یک هم برای کمک گیرنده (پاکستان) دارای سودمندیهائی است. در این تفسیر دیگر از آمریکائی چه بخوار، دشمن شماره یک هم برای کمک گیرنده (پاکستان) دارای سودمندیهائی است. در این تفسیر دیگر از آمریکائی چه بخوار، دشمن شماره یک هم برای کمک گیرنده (پاکستان) دارای سودمندیهائی است.

چه چاره ای باقی میماند؟! همه اینها صریح نبود، ولی روح تفسیر این را (شاید علی رقم نویسنده اش، چون ما نویسنده را نمی شناسیم، ما نمی خواهیم سوئیچی برای وی قائل شویم) تلقین می کرد. اگر درست است که دستگاه عظیم رسانه های گروهی امپریالیستی، با بالاترین تکنیک پختی و اشاعه، با زیباترین شکل ارائه مطالب، صاف و ساده بود گردنه گیران بین المللی، یعنی انصارهای چندملیتی و صهیونیسم دروغ می گوید و جعل می کند و مطالب را سلفه آمیز طوری دیگری جلوه میدهد. پس این تفسیر در باره ما درست است، در باره دیگران نیز درست است. عدالت و انصاف حکم میکند که ما این تکتک را فراموش نکنیم.

## معانی واژه ها

### مشاع

در این اواخر در رابطه با مسئله حیاتی اصلاحات ارضی و لزوم دادن زمین بدخسانان، بسیار گفته میشود که نباید زمینهای مالکان بزرگ را تکه تکه کرد، بلکه میتوان و باید برای استفاده معقول ازمین و امکانات کشت وسیعتر، مالکیت اینگونه اراضی را بطرز مشاع در اختیار کلیه دهقانان قرار داد. به بییم معنای واژه مشاع چیست؟ مشاع، یعنی آن اموالی (غیر منقول) که بین عده ای مشترک است و تقسیم نشده.

در مقابل مفروز (جمع آن افراز)، بمعنی جدا شده و تقسیم گردیده، مشاع یک اصطلاح حقوقی است و در باره اراضی و خانه استعمال میشود. زمینهای مزروعی و غیر-مزروعی، که به ارض یا زمین رسیده و هنوز تقسیم نشده، و کسی جز موزر خود را نداند، زمینهای مشاع نامیده میشود. بدینکسین، مشاع اموالی است که بین دو یا چند نفر مشترک است و سهم انسان را نمیتوان از خارج تمیز داد، مانند زمین یا خانه ای که مثلا دو نفر صاحب آن هستند و نصف مشاع آن را مالک باشند، ولی قسمت هر یک مشخص و معلوم نیست.

در باره ای از مناطق روستائی ایران بر روی زمینهای مشاع، دهقانان دسته جمعی کامیکند و محصول را بین خود با در نظر گرفتن عواملی که هر دهقانی با گذاشتن آن در زراعت شرکت کرده، تقسیم میکنند. مانند ۲ عامل بذر و گاو و ۳ عامل بذر و کار و گاو.

### توجه!

نخستین سالگرد انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران نزدیک است. از تمامی دوستان، هواداران و اعضای حزب خواهش میکنیم که هر گونه اطلاع و خاطره جالب و زیبایی از دوران یکساله انقلاب دارند، هر گونه عکس از رویداد های ماههای انقلاب و همچنین کلیه اسناد و اعلامیه های احزاب، سازمانها و گروههای مختلف را، که در یکسال قبل از پیروزی انقلاب منتشر شده - در دسترس دارند - اصل یا فتوکپی آنها را برای «مردم» بفرستند و بوسیله صفحات «مردم» را در برگزاری شایسته جشن سالگرد این انقلاب تاریخ ساز، غنی کنند. در روی پاکت بنویسید: «مردم به انقلاب ایران».

### نمایشگاه بیاد دکتر تقی ارانی

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران است. بیدین مناسبت قرار است نمایشگاهی بیاد این دانشمند انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و اجتماعی، درباره مبارزه و دستگیری و زندان و شهادت ارانی دارند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد بود.

## پیام سالیانه کارتر، سیاست غارتگرانه و تجاوز کارانه را علیه خلقها ناید می کند

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، را ندانند، می توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۹ تا ۲۱ صبح و از ۲۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند. در شهرستانها نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است. حتماً شناسنامه ثبت نام همراه داشته باشند.

جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا در پیام سالیانه خود به کنتره آمریکا، گرایش کسلی سیاست این کشور را، که بر محور گسترش سابقه تسلطانی و افزایش تشنج در جهان دور میزند، تشریح کرد.

کارتر موضوع اساسی پیام خود را انقلاب های ایران و افغانستان قرار داد و اعلام کرد: «خلیج فارس و خاور میانه جزء منطقه حیاتی آمریکاست.» کارتر بار دیگر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و به عبارت دیگر مردم ایران را «تروریست» خواند و گفت: «اکون که با شما

پیام خود باز هم به ایران اشاره کرد و گفت: «اعمال نفرت آور در تهران خشم سردم آمریکا را برانگیخته است.» وی گفت: «آمریکاستانی خواهد کرد که برای پایسان دادن به نقض جنایتکارانه موازین اخلاقی و حقوقی (بوسیله دانشجویان خط امام) کمک کشورهای دوست آمریکا را بدست آورد.»

«جهان اسلام از وقایع افغانستان ناراحت است.» کارتر اعلام کرد که آمریکا بوجه نظامی خود را همچنان افزایش خواهد داد. رئیس جمهور آمریکا اعتراف کرد که این کشور سرگرم بدست آوردن پایگاههای جدید در اقیانوس هند است و گفت که این پایگاهها برای حمایت از حقوق بشر، اهمیت دارد (۱) امپریالیسم آمریکا از زبان کارتر سیاست تجاوز کارانه خود را علیه جنبه های رهایی بخش منطقه اعلام کرده است. کارتر بپشمانه خاور میانه و خلیج فارس را جزئی از منطقه حیاتی آمریکا میداند و

## دکتر باهنر: مساجد را محل آموزش بی سوادان قرار دهید

مخصوصاً این جنبه از موضوع هم لازم به تذکر است که انقلاب مردمی و اسلامی است و جنبش با رغبت و شور و شوق و اشتیاق و همگامی مردم نمیتواند به ثمر برسد و اگر این حرکتها اجتماعی بخواهد صرفاً از کانهای مخصوص رسمی و اداری حرکت بکند، نمیتواند چندان موفق شود و بایستی بسج عمومی باشد. یعنی هر فرد، هر کانون، هر مرکز، هر خردش را در این حرکت موظف بداند در این حرکت همان طوریکه در جهاد سازندگی احساس میکنیم و می بینیم چون متکی به بسج عمومی مردم است، در امر عمرانی و آبادی موفق شده است و

## در مطبوعات کشور

بسیاری قدمهای بلند و سرزری در مطبوعات روستاها و شهرها برداشته، در حالیکه اگر اینکار را ارگان های رسمی میخواستند انجام بدهند، انرژی بسیار زیاد و پرمسئله مخصوص رسمی و اداری حرکت راندمان و محصول کمتری بدست می آمد.

## از مصاحبه سرهنک لدالی:

امپریالیسم همیشه طرفدار جنبش های اسلامی ارتجاعی بوده است این دو انقلاب (انقلاب ایران و انقلاب لیبی) جنبش دو جنبش تاریخی در جهان سوم است که خصوصیت ضد امپریالیستی دارد.

تمام جنبشهایی که تا کنون در جهان اسلام پدیدار گشته است، خصوصیات ارتجاعی و راستگرا داشته اند، زیرا این خصلت راستگرایان و مرتجعان است که همیشه در کنار امپریالیسم قرار گیرند. بهمین جهت، امپریالیسم همیشه طرفدار جنبش های اسلامی ارتجاعی بوده است. امپریالیسم از جنبش های ارتجاعی در جهان اسلام، نه تنها و اهمیتی نداشته است، بلکه آنها را حمایت و تأیید کرده است.

## شرکت در کنفرانس امپریالیستی پاکستان خیانت بمبارزان افغانستان است



ما یقین داریم که مردم مسلمان پاکستان در مقابل این توطئه امپریالیستی که ظاهراً تحت عنوان حمایت از مبارزان افغانستان تدارک دیده شده است نخواهد نشست و بهر شکل ممکن اعتراض خشم آکین خود را منعکس خواهد ساخت.

حتماً بیاد دارید که اشغال لانه جاسوسی بدنیال ملاقات نخست وزیر با برزیلکی مشاور امنیت ملی کارتر در الجزایر صورت گرفت و حتماً بخاطر دارید که نخست وزیر برای شرکت در جشن استقلال الجزایر به این کشور رفته بود. حال این سوال مطرح است که مقامات ایرانی با شرکت خود در کنفرانس آمریکائی پاکستان در انتظار ملاقات با کدام مقام آمریکائی هستند آیا شرکت در این کنفرانس اهانتی به شهدای انقلاب اسلامی افغانستان بحساب نمی آید؟ آیا جمع شدن در زیر چتر حمایتی آمریکا، اهانتی به امت اسلامی نیست؟ چرا شورای انقلاب در مورد حریف، برنامه شرکت در این کنفرانس آمریکائی نظر ننشاند؟ (جمهوری اسلامی، ۳ بهمن)

## امریکا در خارج و داخل برای تضعیف انقلاب ایران و انحراف آن از مسیر اصلیش در تلاش است

کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی دنیای تاخت پاکستان در حال تشکیل میشود که جهان اسلام بخاطر «دومین خیانت بزرگ سادات به دنیای عرب و اسلام عزادار است. آنچه که بیش از هر چیز گردانندگان چنین کنفرانسی را در مظان اتهام قرار میدهد اینست که کشور اسلامی ایران که با انقلاب خویش رژیم ضد اسلام را سرنگون کرده و از سال گذشته بدینطرف زیر فشار روز افزون امپریالیسم آمریکا بوده، نه تنها چنین کنفرانسی برایش تشکیل نشده، بلکه حتی در کنفرانسهای کوچکتری چون کنفرانس سران عرب در تونس و یا کنفرانس اوپک در ابوظبی هم که دو ماه پیش تشکیل شده بود، اندک هاشمگی و حمایتی از انقلاب ایران در برابر فشار آمریکا نشان نداده اند.

روزنامه «الشعب» ارگان دولت الجزایر در شماره آخر دیماه خود یادآور شده است که اجتماع وزیران خارجه کشورهای اسلامی در اسلام آباد چه بسا که اثراتی منفی را بر مصالح عالی کشورهای مسلمان برجای گذارد.

چرا کشورهای اسلامی تا قبل از ماجرای افغانستان در برابر تهدیدات آشکار آمریکا علیه انقلاب ایران سکوت کرده بودند؟ این روزنامه پس از بررسی واقیعات و اوضاع افغانستان اضافه میکند که «تبلانات امپریالیسم علیه آنچه در کابل در جریان است بیچوجه ناشی از علاقه ای به حق آزادی و خودمختاری ملتها نیست، بلکه در مرحله اول زائیده تبلیغات انتخاباتی دولت آمریکاست. چگونه میتوان قبول کرد که واشنگتن که در گذشته شوق و علمدار دخالت غرب در زیر، افریقای مرکزی بوده و نیز تجاوز به حقوق بشر در سحرای غرب علیه مسلمانان پولیساریو، فلسطین و کشورهای آمریکائی لاتینی بوده، دلش بجا مسلمانان افغانستان سوخته باشد؟ «الشعب» مینویسد هدف پنهانی و غیر مستقیم امپریالیسم استفاده از ماجرای افغانستان برای ایجاد پایگاههای جدید نظامی در بعضی از کشورهای عرب و الحاق آنها به امپریالیسم جهانی و تحکیم اشغال فلسطین بوسیله اسرائیل است.»

سالم است که مسلمانان عالم از سحرای غربی و مراکش و فلسطین و ایران گرفته تا قلیپین و مالزی و اندونزی زیر فشار امپریالیسم آمریکا هستند و مستکاران و جبارانی را بر آنها سلط کرده اند. نمونه فراموش نشدنی آن شاه خائن بود، آمریکا ۳۰ سال تمام با حمایت تام و تمام خود او را بصورت دیکتاتور دهنده ای در آورده بود که در خدمتگزاری به واشنگتن از همه نوکران دور و نزدیک سبقت گرفته بود. در این بیست و چند سال که محض رضای ملت مسلمان ایران رابه زندان افکنده و شکنجه میداد یادرم و مشهد و دیگر شهرها به گلوله می بست، نه کارتر برای مسلمانان ایران دلسوزی میکرد و نه وزرای خارجه کشورهای اسلامی «کنفرانس» برای رسیدگی به فاجعه تشکیل دادند. حتی در مطبوعات آنها اندک اشاره انتقاد آمیزی همه جنایات شاه مخلوع و حامی او آمریکا نشد. سنگ مسلمانان افغانی رابه سینه زدن، اتحاد ملتی از آمریکا و چین و پاکستان تشکیل دادن، دامن اخبار تحریک آمیز و ترسناک درباره ی تهدید شوروی در مرز مشترک افغانستان و ایران، تجریم صدور سگله و شوروی و افغانستان، تلاش برای تحریم بازی های المپیک سکو بالاخره تشکیل کنفرانس اسلامی همه رومه را در بافت چنین واقیعی باید جستجو کرد. (قسمتی از بحث سیاسی حسان الدین امامی-کیهان، ۴ بهمن)

## با تکیاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

ماریوپانتر دبیر کل فدراسیون دانشجویان پاناما:

# چرا دولت ایران هنوز اسناد جنایات شاه را به پاناما نفرستاده؟

بدلیل بخش خبر دستگیری شاه در پاناما از طریق وزارت امور خارجه و اخبار ضد و نقیض دیگری در این مورد، مردم در تماس مستقیم با فدراسیون دانشجویان پاناما، چگونگی واقعه را جویا شدند.

ماریوپانتر، دبیر کل فدراسیون دانشجویان پاناما، اعلام کرد که خبر دستگیری شاه را از خبرگزاری یونایتد پرس شنیده است و خبر نگار یونایتد پرس نیز گفته است که خبر از تهران دریافت کرده است. ماریوپانتر همچنین گفت که دولت پاناما رسماً خبر دستگیری شاه و برگرداندن او به ایران را تکذیب کرده است. او افزود که مردم پاناما هر روز علیه شاه و اقامت او در پاناما اعتراض می کنند و از دولت پاناما میخواهند که بعد از رسیدن اسناد جنایات شاه از ایران، او را به مردم ایران تحویل بدهد. مردم پاناما معتقدند که اقامت شاه جنایتکار در پاناما خلاف قوانین دولت پاناما است.

ماریوپانتر همچنین با اظهار تعجب از خبرنگار ما پرسید: چرا دولت ایران هنوز اسناد جنایات شاه را به پاناما نفرستاد است؟ این پرسش ماریوپانتر، پرسش تمامی مردم ایران از وزارت امور خارجه است.

## برای شهیدان حزب و جنبش

مردم، در نظر داد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت فتنه و مغز خندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده اند، جمع آوری کند. از همه همین دوستان آزادیخواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس - مردم

**فرزاد**  
ازگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹

چاپ، کلویان

**MARDOM**  
No. 151  
28 January 1980

Price:  
West - Germany 0.80 DM  
France 2 fr  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.  
Italy 350 L.  
USA 50 Cts.

## چگونه کرد؟ اصولاً چگونه باید داوری کرد؟ در این باره، مردم در گذشته نیز سخن ضرور را گفته است. ولی

افسوس! نه هر کفالتی در روزنامه‌های می‌تواند عادت سالیان را چاره کند. باینحال باید بی‌خستگی یادآوری کرد، زیرا گفته نین، هیچ پدر افشانی انقلابی نیست که نمر ندهد. کلیات ضد توده‌ای رژیم ترور و اختناق پهلوی و فعالیت عظیم از راست و چپ علیه حزب ما، پیشداوریهای بسیار ایجاد کرده، که باید بتدریج بر طرف شود.

قضاوت یا (داوری) تنها بر اساس یک شایعه، یا یک رخ داده، یا چند رخ داده، یا حادثه جداگانه یا چند حادثه جداگانه در مورد یک فرد، و بطریق اولی یک حزب، آید کالی نیست. هم در مورد افراد و هم در مورد احزاب سیاسی ما باید عملکرد اجتماعی و تاریخی را طی یک دوره معین زمانی مورد توجه قرار دهیم. تازه در این جایز بینیم عمده چیست؟ در این باره توضیح مشروح تری ضرور است.

مطلبی وجود ندارد. جهان را به نیک و بدست مطلق و بدو نادرست مطلق تقسیم نکرده اند. تمام دشواری داوری درست از همین جا بر میخیزد که، در مورد پدیده‌ها بطور عمده میتوان قضاوت کرد. فرد یا جریان که بطور عمده مثبت است، میتواند دارای جهات بطور غیر عمده منفی نیز باشد. فردی یا جریانی که بطور عمده منفی است، میتواند دارای جهات بطور غیر عمده مثبت نیز باشد.

معنای سفسطه بازی درست همین عوض کردن جای عمده و غیر عمده است. سفسطه باز در پدیده‌ای که بطور عمده مثبت است، جهات منفی غیر عمده را میکشد، بزرگ میکند، منظره میسازد، نتیجه میکشد. ظاهر آ دروغ گفته است ولی طراری و چشم‌پنندی کرده است. درباره تابلویی که یکسوم آن سپاه و دوسوم آن سفید است، فقط از همان یکسوم سپاه صحبت میکند و نتیجه میکشد که تابلوی سپاه سر و کالدارد. یا برعکس، درباره تابلویی که یکسوم آن سفید و دوسوم آن سپاه است، فقط از همان یکسوم سفید صحبت میکند و نتیجه میکشد که تابلوی سفید است. جایی که از سفیدی و سپاهی دم میزند، ظاهراً دروغ و غیر واقع نمیکند، مددک وسع و دلیل هم در دست دارد، ولی حقد

بوجود موافقت نامه های کمپ دیوید، روز ۲۶ ژانویه برابر با ۱۶ بهمن، مرزهای مصر و اسرائیل گشوده میشود و به این ترتیب رژیم اشغالی اسرائیل در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه تثبیت میگردد. بدنبال این اقدام در راه فوریه روابط سیاسی میان مصر و اسرائیل برقرار خواهد شد. سازمان آزادیبخش فلسطین بدین مناسبت خلتیای کشور های عربی را در این روز به اعتصاب همگانی، به نشانه اعتراض علیه زودبندیهای مصر و اسرائیل و امریکافر خواند.

موافقت نامه های کمپ دیوید، توطئه ای بود که از جانب امریکالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی طرح گردید و بوسیله یکین رژیم خود فروخته سادات بمورد اجرا درآمد. این موافقت نامه به اشغال و غصب سرزمینهای کشور های عربی و سرزمین خلق عرب فلسطین از جانب تجاوزگران اسرائیل قانونیت میبخشد و عملاً این سرزمینهارا بخاک اسرائیل ملحق میسازد.

زودبند کمپ دیوید نقطه اوج خیانت انور سادات به منافع و حق حاکمیت ملی خلقهای کشورهای عربی مورد تجاوز اسرائیل و یوئیزه خلق عرب فلسطین بود، که از خاک خود رانده شده و از میهن و دولت مستقل ملی خود محروم مانده است. گشایش مرزهای مصر و اسرائیل، که دنباله این خیانت بزرگ رژیم انور سادات است، بیخشم و نفرت همه خلقهای عرب و یوئیزه خلق عرب فلسطین و همه نیروهای ترقیخواه جهان را برانگیخته است.

نیروهای ترقیخواه خود مصر، که از همان آغاز خیانت سادات به منافع حیاتی خلق مصر و حق حاکمیت این کشور، از مقاومت در برابر این رژیم و افتخاری خیانتهای آن باز نایستاده اند، در آستانه این روز فتنه، که قلوب همه میهن پرستان مصر و همه خلقهای عرب را بر میخیزاند و بیخ امانت به احساسات ملی

# آیا میخواهیم در سیاست داوران منصفی باشیم؟ یا قصد بهانه جویی داریم؟

دشمن، مخالف و بیطرف، مساعد و نامساعد را در جامعه بشناسد. باید راه مشخصی شناخت، مانند روند شناخت یک فرد، بناچار از خطا، کژراهی، اشتباه محاسبه نبی نخواهد بود.

میکوید هر کس کار میکند و مبارزه میکند بناچار اشتباه نیز میکند. اشتباه جزئی است از روند فعالیت انسانی. این مهم نیست. مهم آنست که اشتباه اصولی نکند. اشتباه را به کار یا به سهل نماند. روی آن لجاج نورد، بلکه به اشتباه خود صادقانه

اعتراف کند. علل آنرا بشناسد. برای اصلاح آن دست به اقدامات عملی بزند، همانطور که حزب ما از یلسوف چهارم (۱۳۳۷) تا امروز پیوسته با همین روش سدیقانه و جدی عمل کرده است.

اگر همه آنچه را که گفته ایم درباره تاریخ طولانی حزب طبقه کارگر در ایران پیاده کنیم، باید گفت که این حزب، پس خلاف گروههایی که با عنوان «چپ» پدید شدند و درک مارکسیستی-لنینیستی نادرستی داشتند، از جهت اجراء وظایف اساسی ملی و بین المللی خود کاملاً در صراط مستقیم بوده است، از جهت مشی اساسی خود دچار انحراف ملی گرای و فرست-طلبی «چپ» و راست در مشی طولانی خود نشده است. در تاریخ این حزب خدمات برجسته و عظیم آن عمده و شاخصی است. این خدمات عبارت است از: نبرد برای مشکل کردن وسیع توده های زحمتکش، تلاش برای بسط و اشاعه پیش انقلابی، مبارزه بیکسری علیه استبداد پهلوی، مبارزه بیکسری علیه امپریالیسم آمریکا و انگلیس و دیگر قدرتهای امپریالیستی، حفظ همبستگی با جنبش انقلابی و راهی بخت جهانی، دفاع از منافع حیاتی کارگران، دهقانان و قشرهای متوسط، مراعات اصول سازمانی حزب طبقه کارگر، پرورش وسیع توده ها و

دشمن، مخالف و بیطرف، مساعد و نامساعد را در جامعه بشناسد. باید راه مشخصی شناخت، مانند روند شناخت یک فرد، بناچار از خطا، کژراهی، اشتباه محاسبه نبی نخواهد بود.

میکوید هر کس کار میکند و مبارزه میکند بناچار اشتباه نیز میکند. اشتباه جزئی است از روند فعالیت انسانی. این مهم نیست. مهم آنست که اشتباه اصولی نکند. اشتباه را به کار یا به سهل نماند. روی آن لجاج نورد، بلکه به اشتباه خود صادقانه

اعتراف کند. علل آنرا بشناسد. برای اصلاح آن دست به اقدامات عملی بزند، همانطور که حزب ما از یلسوف چهارم (۱۳۳۷) تا امروز پیوسته با همین روش سدیقانه و جدی عمل کرده است.

اگر همه آنچه را که گفته ایم درباره تاریخ طولانی حزب طبقه کارگر در ایران پیاده کنیم، باید گفت که این حزب، پس خلاف گروههایی که با عنوان «چپ» پدید شدند و درک مارکسیستی-لنینیستی نادرستی داشتند، از جهت اجراء وظایف اساسی ملی و بین المللی خود کاملاً در صراط مستقیم بوده است، از جهت مشی اساسی خود دچار انحراف ملی گرای و فرست-طلبی «چپ» و راست در مشی طولانی خود نشده است. در تاریخ این حزب خدمات برجسته و عظیم آن عمده و شاخصی است. این خدمات عبارت است از: نبرد برای مشکل کردن وسیع توده های زحمتکش، تلاش برای بسط و اشاعه پیش انقلابی، مبارزه بیکسری علیه استبداد پهلوی، مبارزه بیکسری علیه امپریالیسم آمریکا و انگلیس و دیگر قدرتهای امپریالیستی، حفظ همبستگی با جنبش انقلابی و راهی بخت جهانی، دفاع از منافع حیاتی کارگران، دهقانان و قشرهای متوسط، مراعات اصول سازمانی حزب طبقه کارگر، پرورش وسیع توده ها و

## از فراخوان سازمان آزادیبخش فلسطین برای اعتصاب همگانی به نشانه اعتراض علیه زودبندیهای کار تر و سادات و بگین پشتیبانی میکنیم

بزرگترین شره رایه خلق عرب فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین وارد ساختند، پس از امضای این موافقتنامه تاکنون توطئه و عملیات تجاوزگرانه علیه این سازمان و خلق عرب فلسطین، که با برجسته ترین هسته جبهه واحد مقاومت در برابر امپریالیسم امریکا و تجاوز اسرائیل هستند ادامه دارد و هر روز ابعاد گسترده تری بخود میگیرد. هدف اصلی این توطئه نابودی کامل این سازمان و محروم ساختن خلق عرب فلسطین از حقوق عادلانه خود برای تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی در سرزمین خویش است. اما پرغم این تلاش های مذبحخانه امپریالیسم امریکا، اسرائیل و رژیم خود فروخته انور سادات، بعلت مقاومت تحسین آفرین و ایستادگی در موضع اصولی ضد امپریالیستی سازمان آزادیبخش فلسطین، به رهبری یاسر عرفات، این سازمان بمتابه یگانه نماینده خلق عرب فلسطین و خواستهای بحق آن، مورد شناسایی و پشتیبانی اکثریت کشورهای جهان، سازمانها و احزاب ترقی جویان و جنبشهای ملی خلقها قرار میگردد. و تشکیل دولت مستقل ملی در سرزمین خود آرزو می کنیم.

موافقت نامه های کمپ دیوید، توطئه ای بود که از جانب امریکالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی طرح گردید و بوسیله یکین رژیم خود فروخته سادات بمورد اجرا درآمد. این موافقت نامه به اشغال و غصب سرزمینهای کشور های عربی و سرزمین خلق عرب فلسطین از جانب تجاوزگران اسرائیل قانونیت میبخشد و عملاً این سرزمینهارا بخاک اسرائیل ملحق میسازد.

زودبند کمپ دیوید نقطه اوج خیانت انور سادات به منافع و حق حاکمیت ملی خلقهای کشورهای عربی مورد تجاوز اسرائیل و یوئیزه خلق عرب فلسطین بود، که از خاک خود رانده شده و از میهن و دولت مستقل ملی خود محروم مانده است. گشایش مرزهای مصر و اسرائیل، که دنباله این خیانت بزرگ رژیم انور سادات است، بیخشم و نفرت همه خلقهای عرب و یوئیزه خلق عرب فلسطین و همه نیروهای ترقیخواه جهان را برانگیخته است.

نیروهای ترقیخواه خود مصر، که از همان آغاز خیانت سادات به منافع حیاتی خلق مصر و حق حاکمیت این کشور، از مقاومت در برابر این رژیم و افتخاری خیانتهای آن باز نایستاده اند، در آستانه این روز فتنه، که قلوب همه میهن پرستان مصر و همه خلقهای عرب را بر میخیزاند و بیخ امانت به احساسات ملی

**رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!**

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشر در مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میسر انقلابی است.

**لیست ساواکی ها را منتشر کنید!**

